اگر بخواهم به سوال شما برگردم، کشورهای اروپایی یا کشورهایی مثل آمریکا و کانادا همگی کشورهای در حال توسعه هستند و این یعنی بازیگرند چون وقتی می‌گوئیم فلان کشور توسعه‌یافته است یعنی انگار توسعه‌یافتگی آن تمام و از آن فارغ شده است درحالی‌که اینطور نیست این کشورها همچنان در حال توسعه هستند درست مثل فارغ‌التحصیل شدن، وقتی دکترا بگیری تازه یاد می‌گیری که چه کتاب‌هایی را نخوانی، نه اینکه چه کتاب‌هایی را بخوانی. کشورهای بازیگر اصلاً نمی‌توانند توسعه را تولید نکنند و اتاق فکر نداشته باشند. این را هم بگویم که تفکر، «گفت‌وگو» نیست، «هم‌پرسه» است، «هم‌پرسه» یعنی یکسری سوال و جواب در جهت رسیدن به یک مقصود. نهایتاً اینکه جوامع بازیگر چاره‌ای ندارند جز اینکه از نظرات فیلسوفان‌شان در اتاق تعمق و تدبر استفاده کنند. خروجی این جلسات هم یک پروژه اجرایی می‌شود که به دست فرد اجرایی مرتبط با موضوع سپرده می‌شود و تدبیرهای صورت‌گرفته به مرحله اجرا می‌رسد. در کشورهایی هم که بازیگر نیستند یا به گفته شما توسعه‌نیافته‌اند، فکر تعطیل است. یک نکته دیگر هم اینکه فیلسوف دغدغه این را ندارد که فکرش اجرا شود. با این حال پژواک صدای فیلسوف راه و مسیر را نشان می‌دهد. کار فیلسوف، بینش دادن است که یا از آن استفاده می‌شود یا نمی‌شود. بی‌دلیل هم نیست که اکثر فلاسفه در زندگی‌شان خیلی فقیر بودند. هانا آرنت نمونه‌ای که من خیلی خوب می‌شناسم در تمام عمرش برای گذران زندگی در یک انتشارات کار می‌کرد و کارمند آنجا بود. فردوسی، شاهنامه را برای اینکه بعدها تبدیل به پروژه شود ننوشت اما امروز افراد بسیاری روی آن کار می‌کنند و یک نور مشترک بین همه ما فارسی‌زبانان است.

شما سال‌های زیادی از زندگی‌تان را ـ از دوران دانشجویی تا الان که در کانادا تدریس می‌کنید ـ در غرب گذرانده‌اید و برای من سوال است که چگونه می‌توان در غرب زیست اما درباره شرق فکر کرد و نوشت؟

تمایز بین غربی فکر کردن و شرقی کردن، «غیریت و ناموحدی» است که مشکل امروز ماست. فیلسوف و متفکر، غرب و شرق نمی‌شناسد و من اصلاً متوجه شرقی و غربی بودن نمی‌شوم. با این حال ممکن است ظرف بحث شما به‌دلیل آشنایی با حوزه خاص رنگ و بوی شرقی بگیرد ولی جوهر آن حرفی است یا باید باشد که شرق و غرب نمی‌شناسد. دلیلش هم این است که جوهر حرف یک ویژگی انسانی است. اولین کسی که سعی کرد این نکته را با صدای بلند در ایران بگوید، سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود. ایشان گفت: پدر علم نه افلاطون است نه ارسطو. پدر علم، خرد انسانی است؛ به تبع این فرمایش پدر هرگونه تفکر و تفحصی ذهن انسانی است و ذهن انسانی شرق و غرب نمی‌فهمد.

ما حدیثی از پیامبر (ص) داریم که می‌فرمایند: برای یافتن علم به چین برو. اما منظور ایشان از چین، چین امروز که مخرب‌ترین کشور برای جهان و آدم‌هاست نبوده است. کشوری که بیشترین میزان اجناس یکبار مصرف و پلاستیکی تولید می‌کند و همین جا هم بگویم که من مطمئنم از چین امروز چیزی در نمی‌آید همانطور که از استالین روسیه هم چیزی درنیامد. بنابراین حدیث پیامبر راجع به رفتن به چین برای یافتن علم، چین بازیگر قدیم بود نه چین امروز. اگر تفکر مختص جهان اسلام بود چرا حضرت چنین فرمودند؟ چون تفکر نه جغرافی می‌فهمد، نه فرهنگ و نه دین.

اینکه افرادی مثل من یا آقای شایگان و امثالهم به غرب آمدیم به‌خاطر این نیست که غرب، استثنایی در تاریخ است بلکه به این خاطر است که غرب، در حال حاضر در قانونِ عقلِ انسان‌ورزی بهتر از دیگر کشورها عمل می‌کند. زمانی این جریان در جای دیگری بود. برای نمونه نقشی که دانشگاه کمبریج و هاروارد در دنیای امروز دارند، دانشگاه جندی شاپور یا بیت‌الحکمه بغداد در گذشته داشتند. بنابراین ممکن است نوشته‌ها و مثال‌های من شرقی باشد چون با آن راحت‌ترم و زبان فارسی برایم ارزشمند است و به همین دلیل هم در کتاب‌هایم اصلاً از معادل انگلیسی استفاده نمی‌کنم و اگر هم مجبور شوم، واژه انگلیسی را به صورت فارسی می‌نویسم. ضمن اینکه من اصطلاح «غرب‌زدگی» را از اساس نادرست می‌دانم چون در معنای خودش، «غربزدگی» عین «غربزدگی» است چون ملاکش غرب است، اما در اینجا بگویم این اوج «غربزدگی» است که ما فکر کنیم عده‌ای غربی فکر می‌کنند و عده‌ای شرقی. مهم این است که یک نفر انسانی پندار، گفتار و کردار کند، اینکه اهل کجای دنیاست بیرون از مقوله است.

با این حساب به نظر می‌رسد شما قائل به داشتن «دیگری» که برای ما ایرانی‌ها «غرب» است نیستید؟

نه‌تنها نیستم بلکه این نحوه‌ای را که امروزه راجع به «دیگری» حرف زده می‌شود درست نمی‌دانم چون «دیگری» اگر برایش نقشی قائل شویم آئینه است؛ «آئینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن آئینه شکستن خطاست». خداوند می‌فرمایند من شما را به شعوب مختلف تقسیم کردم که از یکدیگر بیاموزید و این یعنی دیگری آینه است برای بهتر دیدن خودم. اتفاقاً محبوب بودن بحث «غیریت و دیگری» شاید باعث شده باشد که مباحث کسی مثل کارل اشمیت در ایران چنین محبوب باشد. درحالی‌که اشمیت یک نازی دوآتشه بود و زندگی انسانی را ناموحدانه عرصه «من و غیر یا دوست و دشمن» می‌دانست. چطور یک کشور انقلابی مثل ایران به متفکری که عضو حزب نازی بود و نسبت به سیاست بدفهمی داشت اینقدر راغب است برای من معماست. براساس باورهای اسلامی خودمان، خداوند نفسش را در انسان گذاشت و کرامت و شرافت همه انسان‌ها یکی است. من ممکن است به کار چینی‌ها نقد کنم اما هیچ‌وقت به کرامت یک چینی توهین نمی‌کنم چون این رفتار ناموحدی است. اتفاقاً حرف فیلسوف هم این است که جوامعی توانستند بازیگر باشند که با خودشان در صلح هستند ولی وقتی ما با خودمان هم در جنگیم یعنی ناتوحیدی در درون ماست و این ناتوحیدی در جامعه منعکس می‌شود و نتیجه اینکه جامعه به دوست و دشمن، دیگری و غیر دیگری و امثال اینها تقسیم می‌شود.

تمایز بین غربی فکر کردن و شرقی کردن، «غیریت و ناموحدی» است که مشکل امروز ماست. فیلسوف و متفکر، غرب و شرق نمی‌شناسد. جوهر حرف یک ویژگی انسانی است. اولین کسی که سعی کرد این نکته را با صدای بلند در ایران بگوید، سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود. ایشان گفت: پدر علم نه افلاطون است نه ارسطو. پدر علم، خرد انسانی است؛ به تبع این فرمایش پدر هرگونه تفکر و تفحصی ذهن انسانی است و ذهن انسانی شرق و غرب نمی‌فهمد

شما در خیلی از سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهایتان درباره اندیشه‌ورزی و چگونگی انسان ورزیدن تاکید دارید و حالا سوال من این است که اندیشه‌ورزی که شما از آن سخن می‌گویید مخصوص اندیشمندان است یا نه شما همه مردم را به اندیشیدن تشویق می‌کنید؟

سوال بسیار خوب و دقیقی است. فرض کنید می‌گویند، فلانی اوضاعش خیلی بد است و ما هم می‌گوییم چون نمی‌داند دارد چه کار می‌کند. این یعنی درباره کاری که انجام می‌دهد نمی‌اندیشد. پس خوب است اندیشه‌ورزی را از همین حکمت عامیانه شروع کنیم. مادر بنده سواد مدرسه‌ای نداشت اما دانا بود. به معنای دیگر دانا بود اما عالم نبود. این دانای ناعالم به من می‌گفت وقت سخن گفتن حرفت را از هفت گره گلویت بگذران و بعد بیان کن؛ این یعنی سبک و سنگین کردن دوراندیشانه. اندیشه‌ورزی هم یعنی سبک- سنگین کردن. اندیشه‌ورزی، سطح ندارد و از کاسب و بقال محل گرفته تا اندیشمندان همگی می‌توانند اندیشه‌ورزی کنند و ما هم به حرف‌های اندیشه‌ورزان خوب گوش می‌دهیم. اندیشه‌ورزی بینش و چراغی است که ما را از «نظرگاه» شخصی آزاد می‌کند. تعبیر حضرت مولانا در حکایت «پیل و اتاق تاریک» تمثیل گویایی است: «از نظرگه گفتشان شد مختلف / آن یکی دالش لقب داد، این الف / در کف هرکس اگر شمعی بدی / اختلاف از گفتشان بیرون شدی / ... عاشق صنع خدا با فر بود / عاشق مصنوع، او کافر بود». توجه شد که نظرگه متکثر است و «شمع» یا بینش شکل ظاهرش ممکن است متفاوت باشد، اما جوهرش که روشنایی و بینش است یکی است. ضمناً بیت آخر را بدین جهت آوردم که در سنت ما «خرد» که عامل اندیشه‌ورزی است «امانت خداوند» یا به بیان مولانا «صنع خدا» است. تازه انسان مگر جز «خرد» هیچ عامل قابل اعتمادی دیگری برای یافتن چگونگی زندگی در روی زمین دارد؟

البته یادآور شوم که به گمان من «خرد» از سه لایه عقلانیت تشکیل شده است؛ عقلانیت احساسی ـ ابزاری که سود و زیان را تأمین می‌کند. لایه دوم عقلانیت تحصلی ـ اکتسابی یا به قول مولانا عقل مکتبی به این معنا که من باید یکسری چیزهای ابتدایی را یاد بگیرم تا بعد بتوانم دوام بیاورم و زندگی کنم. لایه سوم، عقلانیت هنجاری ـ اخلاقی است که حسن و قبح چیزها را برای ما کشف می‌کند و به ما مجوز یا ممنوعیت برای انجام کارها را می‌دهد. با این حساب مرحومه مریم میرزاخانی هم اندیشه‌ورزی می‌کرد منتها در رشته ریاضی یا مثلاً همین گفتگو، قدمی در جهت اندیشه‌ورزی است، اما در رشته سیاست. در کشورهای بازیگر در ۵۱ درصد مواقع، ۵۱ درصد آدم‌ها اندیشه‌ورزی می‌کنند. برای همین هم اوضاع تا حدی میزان است اما در کشورهای نابازیگر این سه نوع عقلانیت با هم تعطیل است و هر یک ساز خود را جدا می‌زند و اگر خردورزی باشد در میان ۴۹ درصدی است که بنا به اقلیت بودن قاعده بازی را تعیین نمی‌کنند. متأسفانه حدود ۳۰۰ سال است که بعد از سقوط اصفهان و مرگ ملاصدرا موضوع اندیشه‌ورزی و عقلانیت به وجهی که توضیح شد در کشورمان تعطیل شده است. اگر قصد بازیگری داریم، اندیشه‌ورزی برای همه ضروری و لازم است منتها هرکسی در حوزه و حد و اندازه کار خودش. من اگر از ده خسبیجان اراک بیرون نیامده بودم اندیشه‌ورزی‌هایم در محدوده روستا و در کشاورزی و گذران روزمره بود اما الان که در کانادا به‌عنوان یک کشور بازیگر زندگی می‌کنم نقش بازیگری متفاوتی دارم.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - داره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان غربی
شناسه آگهی: ۱۸۱۶۷۵۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

برابر تقاضای کتبی متقاضی، تحدید ملک ذیل واقع در پلاک ۱۰۱-اصلی بخش ۲۱-مهاباد حوزه ثبتی شهرستان پیرانشهر به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به عمل خواهد آمد. ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۶۶۱ مترمربع تحت پلاک ۱۶۷ فرعی از ۱۰۱-اصلی بخش ۲۱-مهاباد به نام آقای کریم بوداقی فرزند رحمن به شماره ملی ۲۸۹۹۱۲۷۳۵۷ واقع در شهرستان پیرانشهر- روستای کردباسک تاریخ تحدید حدود: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱ لذا به اطلاع مالکین و مجاورین املاک فوق می‌رساند که در تاریخ تحدید حدود تعیین شده در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند و کسانی که به حدود یا ارتفاقی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ تحدید حدود لغایت ۳۰-روز اعتراض خود را در اجرای ماده ۲۰ قانون ثبت به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

حبیب الهامی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض خانم فروغ شعبانی به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۳۵۴۹۹۲ به شماره ملی ۲۱۱۰۳۵۴۹۹۲ صادره از گرگان فرزند علی متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۲۷ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۵۲/۷۶ مترمربع از پلاک ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی باکر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذی صلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹
شناسه آگهی: ۱۸۱۱۵۹۹

حجت الله تجری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف محمد فندرسکی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - آگهی مزایده
م الف: ۱۵۶۸ شناسه آگهی: ۱۸۱۹۶۳۳

آگهی مزایده مال منقول (اتومبیل) اسناد ذمه‌ای پرونده کلاسه ۹۸۰۲۲۴۴

به موجب پرونده اجرایی کلاسه فوق مصطفی خورشیدی - متعهدله: فاطمه افتخاری پور شش دانگ یک دستگاه خودرو سواری هاچ بک هایما دنده اتوماتیک تیپ S5-T-AT مدل ۱۴۰۲ رنگ مشکی متالیک شماره ایران ۲۰ - ۵۶۲ ل ۳۱ - با سوخت بنزین شماره موتور GN15TF2B006666 و شماره شاسی NAAD6C340P7170641 که طبق نظر کارشناس رسمی مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ موتور خاموش لاستیک خوب، بدنه و اطراف سالم، شیشه ها سالم، چراغ ها سالم دارای برف پاک کن و جک و زاپاس، صندلی ها سالم جلود اشبورد سالم سپرها سالم و به مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد ریال) ارزیابی گردیده است و در پارکینگ لاله واقع در شورین همدان متوقف است و به موجب سند ازدواج ۲۵۵۳۶-۰۳/۰۷/۱۳۹۲ بازداشت شده که به علت عدم انجام تعهد از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ در اداره اجرای اسناد رسمی همدان واقع در سعیدیه بالا، نبش بلوار غنی زادیان، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان طبقه اول به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (چهارده میلیارد ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده می باشد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

یدی متوسل - ریاست اداره اجرای اسناد رسمی همدان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک لویزان تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه عباس احمدآبادی با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده ۵۴۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ دفترخانه ۹۱۴ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۱۵۱۰۲۵۱۷۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد: نام و نام خانوادگی مالک: عباس احمدآبادی شماره پلاک ثبتی: ۶۳۶۲ فرعی از ۸۳ اصلی علت گم شدن: جابه جایی خلاصه وضعیت مالکیت: در تاریخ ۷۴/۱۰/۱۹ سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به شماره ۶۳۶۲ فرعی از ۸۳ اصلی قطعه ۱۴ تفکیکی مفروز و مجزا شده از ۳۴۷ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۱ تهران به مساحت ۸۸/۷۹ مترمربع واقع در سمت شمال شرقی طبقه ۴ به انضمام انباری مسکونی قطعه ۱۷ تفکیکی به مساحت ۲/۵۱ مترمربع واقع در سمت غربی طبقه زیرزمین یک به انضمام پارکینگ مسکونی قطعه ۱۴ تفکیکی به مساحت ۱۱ مترمربع واقع در سمت مرکزی طبقه زیرزمین یک با قدرالسهم از عرصه و سایر قسمت های اشتراکی طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی آن ذیل ثبت ۱۱۲۰۴۲ صفحه ۲۲۷ دفتر املاک ۹۵۸ به نام محمود آقایی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۸۱۲۸۹۴ صادر و تسلیم گردیده است. محمد محمود آقایی به موجب سند قطعی شماره ۱۵۱۴۳۶ مورخ ۹۵/۰۷/۰۴ دفترخانه ۲۳۱ تهران ششدانگ مورد ثبت را به عباس احمدابادی منتقل نموده است. پلاک مرقوم به موجب اسناد شماره های ۱۵۱۴۳۷ و ۱۵۱۴۳۸ و ۱۵۱۴۳۹ و ۱۵۱۴۴۰ مورخ ۹۵/۰۷/۰۴ دفترخانه ۲۳۱ تهران در رهن بانک تجارت بوده که بانک تجارت طی شماره ۵۷۸۹۳/۰۳/۱۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ اعلام نموده که صدور سند المثنی در صورت حفظ حقوق و منافع بانک بلامانع است و با توجه به اینکه پلاک مرقوم طبق نامه شماره ۱۴۰۱۰۵۸۰۱۰۱۵۰۱۳۰۸۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۵ اداره پنجم اجرای اسناد رسمی بازداشت بوده اداره پنجم طی شماره ۱۴۰۳۰۵۸۰۱۰۱۵۰۰۰۰۸۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۸ اعلام نموده که با حفظ حقوق بازداشتی آن اجرانسبت به طلب و حقوق دولتی صدور سند المثنی بلامانع است. اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی، معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

م الف: ۱۴۴۴۱

ابوالفضل تریوه- رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران - از طرف سید مجیدرضا سادات حسینی

دکه

جنگ و بودجه

مروری بر شماره ۲۰۶ هفته‌نامه صدا

فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

آخرین شماره هفته‌نامه «صدا» به‌طور ویژه به مسئله‌ای که این روزها ذهن همه را درگیر کرده است، اختصاص دارد؛ جنگ ایران و اسرائیل. در این زمینه تیتر اصلی «صدا» قابل تأمل است: «جاده یک‌طرفه جنگ؟». آرای صاحبنظران مختلفی هم در این‌باره گردآوری شده است. برای نمونه، منال لطفی گزارشگر «الاهرام» معتقد است: «درست است که تهران اسرائیل را تهدیدی وجودی می‌بیند، اما این به معنای لزوم درگیری نظامی نیست.» از نظر داود حشمتی نیز: «آنچه مردم می‌خواهند، زندگی و آرامش در سایه امنیت ناشی از موشک و پدافند است، نه وارد شدن به جنگی فراگیر که عده‌ای در ایران و برانداز در خارج از کشور می‌خواهند.» جاناتان پاتیکوف معتقد است: «حملات اسرائیل که ممکن است در قالب‌های مختلف ادامه یابد، کاملاً حساب شده و هدفمند بود. تأثیر این حملات ممکن است قابل توجه باشد اما اگر مقامات ایرانی آنها را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند ـ و گزارش‌هایی که ادعا می‌کنند با موفقیت با این حمله مقابله کرده‌اند، شروع خوبی است ـ آن را سیگنالی در نظر بگیرید که تهران به دنبال خروج از این افزایش تنش است، حتی اگر خلاف این ادعا را داشته باشد.» کریستین فونتنروز هم بر این گمان است که هم ایران، هم اسرائیل در پی «جنگ نیابتی» هستند: «در حال حاضر، اسرائیل باید نیروی انسانی و مهمات خود را برای هدف قراردادن حماس و حزب‌الله متمرکز کند. البته قرار دادن اسرائیل در موقعیتی که مجبور به اتخاذ این تصمیم شود، یک شبه‌برد برای تهران است، چون استراتژی حکومت ایران در تمام طول این مدت این بوده است که اعراب برای آرمان خود بجنگند.» از نظر جینا ابرکرومبی هم: «بازیگران منطقه‌ای همچنان مسئولانه عمل می‌کنند. علاوه بر درگیری‌های شدید اسرائیل با حماس و حزب‌الله، خویشتن‌داری اسرائیل و احتمالاً ایران، فرصتی را برای مذاکره موفقیت‌آمیز در مورد معامله گروگانگیری و توقف خصومت‌ها در لبنان باز کرده است.» داگلاس لندن اما در این میان نظر قابل تأملی دارد و با اشاره به اینکه طرفین این نبرد همگی می‌گویند پیروز جنگ بوده‌اند، می‌نویسد: «اندازه‌گیری برد و باخت در خاورمیانه اغلب به‌راحتی آشکار نیست. پیامد هر رویداد واحد گاهی در طول نسل‌ها آشکار می‌شود». از دیگر مطالب این شماره مجله «صدا» بحث درباره برنامه بودجه ۱۴۰۴ است. الهه ابراهیمی در این زمینه گزارشی مفصل نوشته و تیتر آن را چنین انتخاب کرده: «بودجه‌ای شفاف با اما و اگرهای بسیار». کامران ندری، اقتصاددان اما شفافیت مورد نظر را امری «بی‌اثر» می‌داند و می‌گوید: «این شفافیت که این روزها توسط سازمان برنامه و بودجه به آن استناد می‌شود دقیقاً از جنس اظهارات احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت گذشته است که درباره بدهکاران بانکی مطرح می‌شد. مدام از سوی این مقام مسئول وقت اعلام شد، لیستی منتشر شد که بدهکاران بانکی معرفی شدند اما این لیست و معرفی این افراد آیا برای کاهش مشکلات بانک‌ها موثر بوده است؟ آیا وضعیت اقتصاد بهبود یافت یا تورم کاهشی شد؟» با این تفاسیر ندری بر آن است که لایحه بودجه سال آینده همانند لایحه بودجه دولت گذشته تدوین شده و تفاوتی ساختاری در آن وجود ندارد. سیدمرتضی افقه، عضو هیئت علمی دانشگاه چمران اما نگاهی متفاوت دارد. به‌زعم افقه: «شرایط اقتصادی و غیراقتصادی کشور به گونه‌ای نیست که بتوان انتقادات جدی به لایحه بودجه ۱۴۰۴ وارد کرد، به‌ویژه اینکه دولت جدید با مشکلات اقتصادی خاص دولت را تحویل گرفته است.» او در این زمینه به «خزانه خالی دولت» اشاره کرده و می‌گوید: «به‌دلیل مشکلات اقتصادی احتمال تحقق درآمدهای مالیاتی نیز برای سال آینده دور از دسترس است»، بنابراین «باید تلاش شود مالیات از بنگاه‌های اقتصادی که معاف از مالیات شده‌اند، اخذ شود.»